

**A Comparative Study of Isfahan school of urban planning in
Safavid with (Renaissance Era in Europe)**

Hamid Reza Saremi¹ | Somayeh Hagh Rousta²

Received: 2021/08/14 | Accepted: 2021/12/01

(DOI): [10.22034/MTE.2021.6970.1158](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.6970.1158)

Original Article

P 245 - 271

Abstract

Urban planning and architecture express a nation's culture and beliefs. In different historical periods in the West and the East, a great number of Urban and architectural Works have been created. One of the most brilliant periods of Iran is the Safavid era. Establishment of Safavid had been coincided with the Renaissance, when Europe had emerged from the Middle Ages and had begun its scientific, literary and artistic progress. However, two historical periods were simultaneous, had a lot of obvious differences in urban architectural works. Thus, this article tries to compare the Isfahan school in urban planning, which is the Safavid Utopia, with its contemporary era in Europe (Renaissance). The research uses qualitative method and descriptive-interpretive analyzes of different texts. The results show that the ideology of these two schools has had profound effects on their urban architectural works. Safavid government created Isfahan school relying on mystical concepts and Shiite ideology. They tried to establish harmony and balance in urban spaces. While Renaissance urbanism is the symbol of the domination of materialism. The Renaissance utopia is the product of imposing mental order on nature.

Keywords: urbanism, Safavid era, Renaissance, Isfahan school.

1 - Faculty member of the Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Tehran, Iran, saremi@modares.ac.ir.

2 - PhD student, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, s.haghroosta@modares.ac.ir.

مطالعه تطبیقی مکتب شهرسازی اصفهان در دوران صفویه با دوران هم عصر آن (رنسانس در اروپا)

حمیدرضا صارمی^۱ | سمیه حق روستا (نویسنده مسئول)^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2021.6970.1158

تاریخ دریافت: ۰۰/۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۹/۱۰

علمی - پژوهشی

ص: ۲۷۱/۲۴۵

چکیده

شهرسازی و معماری هر ملتی، نمود کالبدی درون‌مایه‌های فکری و فرهنگی مردمان آن سرزمین است. در دوره‌های مختلف تاریخی در غرب و شرق، به اقتضای تفکرات غالب در هر دوره، سبک‌های معماری و شهرسازی متنوعی خلق شده است. یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنری ایران پس از اسلام، دوره صفویه است. صفویه زمانی پا به عرصه وجود گذاشت که اروپا در حال خروج از دوران قرون وسطا بود و نوزائی علمی، ادبی و هنری خود را آغاز کرده بود. با توجه به هم‌عصر بودن دو دوره تاریخی صفویه و رنسانس و تفاوت‌های آشکار آثار معماری و شهرسازی آن‌ها، این مقاله تلاش می‌کند تا مکتب اصفهان، که نمود تحقق آرمان شهر دولت صفوی است، را با شهرسازی دوره هم‌عصر آن در اروپا (دوران رنسانس) مورد مقایسه قرار دهد. روش تحقیق مقاله، بررسی اسنادی و تحلیل‌های توصیفی-تفسیری متون مختلف است، که با بهره‌گیری از تحلیل‌های کیفی بررسی شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نوع تفکر و جهان‌بینی این دو مکتب تأثیر عمیقی بر آثار معماری و شهرسازی آن‌ها داشته است. حکومت صفوی با اتکا به مفاهیم عرفانی و جهان‌بینی متأثر از مذهب شیعه، مکتب اصفهان را خلق کرده و در پی بیان هماهنگ فضای شهری و برقراری تعادل در نظام شهری بوده است؛ این مکتب مکتب از عناصر مادی برای کالبد بخشیدن به یک نظم آسمانی و عرفانی بهره می‌گیرد. در حالی که شهرسازی رنسانس نماد تسلط تفکر مادی به شهر است و آرمانشهر رنسانس با تکیه بر فرهنگ اومانستی، محصول تحمیل نظم ذهنی بر طبیعت است.

کلیدواژگان: شهرسازی، دوره صفویه، دوران رنسانس، مکتب اصفهان.

۱. استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران، saremi@modares.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، s.haghoosta@modares.ac.ir.

۱- مقدمه و بیان موضوع

نوع تفکر و جهان بینی ملت‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی هر دوره تاریخی، تاثیر عمیقی بر آثار معماری و شهرسازی داشته است. از این رو، آثار معماری و شهرسازی را باید در بستر و زمینه تاریخی و با توجه به ویژگی‌های زمان خود مورد تحلیل و بررسی قرار داد. در میان دوره‌های تاریخی ایران (چه پیش و چه پس از اسلام)، دوره صفویه، دوره اوج تمدن اسلامی در ایران به شمار می‌رود. حکومت صفوی در سال ۹۰۷ هجری قمری توسط شاه اسماعیل، تاسیس شد. در این دوره به دلیل رونق اقتصادی کشور، شهرنشینی گسترش یافت و تحول عظیمی در آثار معماری و شهرسازی ایجاد شد.

سلسله صفویه، با رویکردی کاملاً مذهبی و اسلامی و با در هم آمیختن اصول و تفکرات اسلامی و علم مهندسی، در زمینه معماری و شهرسازی پیشرو بوده است (صارمی، پریزادی و خدائشناس ۱۳۹۶، ۱۴۰). دوران زمامداری شاه‌عباس اول را می‌توان عصر تحول معماری و شهرسازی ایران نامید، زیرا پس از یک دوره تاراج شهرها و ویرانی، سرانجام در سده ۱۷ میلادی ایران، آرامشی نسبی یافت و زمینه پیشرفت در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی پدید آمد (پاکزاد، ۱۳۹۲، ۳۹۷). به دنبال این تحولات، شهرنشینی رشد و گسترش سریعی پیدا کرد (مشهدیزاده دهاقانی ۱۳۸۷، ۱۶).

سیاست شاه‌عباس، گسترش و رونق شهرهای مرکزی کشور بود. در زمان او شهرهای اصفهان، تبریز، اردبیل، کاشان، یزد، بندرعباس، همدان، قزوین، مشهد و بابل توسعه پیدا کردند که در این میان اصفهان، تبریز و کاشان در درجه اول اهمیت قرار داشت (مشهدیزاده دهاقانی ۱۳۸۷، ۱۷). در زمان او بود که تغییر پایتخت از قزوین به اصفهان صورت گرفت و اصفهان دوباره‌سازی شد. همین تغییر پایتخت، به اضافه شکل‌گیری دولت مقتدر مرکزی و برتری سیاسی-عقیدتی آن، چه در زمینه سیاست خارجی و چه سیاست داخلی، باعث شد تا این دولت به مادیت بخشیدن به مفاهیم سیاسی-عقیدتی، فرهنگی و اقتصادی-اجتماعی خود بپردازد و به شهر، به مثابه نماد کالبدی-فضایی این تفکر بنگرد. برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای شار جدید اصفهان به مدت ۲۵ سال از اولین سال‌های قرن ۱۱ هجری (۱۷ میلادی) بیان روشنی از این نمادگرایی و سازمان‌دهی فضایی بود. این بیان فضایی در زمینه هنر شهرسازی الگوی تازه‌ای را پایه‌گذاری کرد که به علت خاستگاه آن، مکتب اصفهان نام گرفته است (حبیبی ۱۳۸۶، ۹۴). مکتب اصفهان، تحقق آرمان شهر دولت صفوی است و

زمانی پا به عرصه وجود گذاشت که اروپا در حال خروج از دوران خاموشی قرون وسطایی بود و نوزایی علمی، ادبی و هنری خود را آغاز کرده بود.

دوره‌ای از تاریخ اروپا مشهور به رنسانس که حدود قرن‌های ۱۵ تا ۱۸ میلادی را در بر می‌گیرد، دوره دگرگونی‌های بزرگ بوده است (لتس ۱۳۸۵، ۷). رنسانس در لغت به معنای نوزایش و تجدیدحیات است و به‌عنوان یک نهضت هنری، ادبی و فلسفی، نقطه‌عطفی در تمدن غرب محسوب می‌شود. برخی اعتقاد دارند که نوزایی همان زاده شدن مجدد فرهنگ یونان قدیم است. ولی در واقع منظور تجدیدحیات فرهنگ شهری است. در این عصر، آن چیزی که اروپا را از دوران قرون وسطی مجزا می‌کرد، تفکری بود که نه‌چندان با فلسفه یونان قدیم سروکار داشت و نه با آرای فیلسوفان و حکمای بعد از سقراط و ارسطو؛ تفکر عصر رنسانس در حقیقت بازتاب نیازهای جامعه عصر خویش بود. به بیانی دیگر، رنسانس بازتاب شرایطی بود که در آن قدرت شهر و شهرنشینی روز به روز فزونی یافته، شهر مرکز قدرت علمی، صنعتی و تجاری جامعه‌ای شده بود که هنوز ارزش‌ها و هنجارهای روستایی و زمین‌داری در آن حاکم بود؛ کلیسای کاتولیک و فتوئال‌ها سعی داشتند تا سلطه فکری و سیاسی خود را بر جامعه و شهر حفظ کنند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۳۰۵). باید اذعان کرد که اساس تفکر و جهان‌بینی رنسانس، مبتنی بر شناخت تازه‌ای از انسان به‌عنوان مرکز همه کائنات بود.

همان‌طور که جنبش رنسانس از ایتالیا شروع شد، تفکرات شهرسازی رنسانس نیز از همانجا آغاز گردید. شهرسازی دوره رنسانس در مقایسه با برخورد عملی و غیرنظری قرون وسطی، رنگ و بویی نظری-عملی یافت؛ این نظریه‌پردازان سعی داشتند تا از یک‌سو تمایلات انسان‌محور خود را با تمرکزگرایی حاکمان اشرافی، زیبایی‌شناسی انتزاعی و نمادپردازی نجومی و از دیگر سو با مهندسی رزمی آشتی دهند. نظریه‌پردازان رنسانس به‌مثابه مبلغین اومانیزم، رابطه مستقیمی بین ساختار شهر و اخلاق حاکم بر جامعه شهری می‌دیدند. هنرمند و نظریه‌پرداز دوران رنسانس اعتقاد داشت که انسان موجودی است این جهانی، با روح و عقلی بزرگ که از قدرت کارگزاری و فاعلیتی خدادادی برخوردار است (همان، ۳۲۴).

در یک دوره زمانی مشترک، دو تفکر و جهان‌بینی کاملاً متفاوت، یکی در ایران و دیگری در اروپا، پا به عرصه وجود گذاشتند. در ایران، جهان‌بینی متأثر از مذهب و در اروپا

تفکر مبتنی بر اومانیسیم و انسان محوری مورد توجه قرار گرفت. ویژگی مشترک هر دو جهان بینی - برخلاف تفاوت شان در مبانی فکری - اوج گیری فعالیت های مختلف فلسفی، فرهنگی، هنری و علمی، یکی در ایران و دیگری در اروپاست. از آنجایی که شهرسازی و معماری هر ملتی، نمود کالبدی درون مایه های فکری و فرهنگی مردمان آن سرزمین است، آثار معماری و شهرسازی هر دوره را باید در بستر ویژگی های فکری - عقیدتی، اقتصادی و اجتماعی زمان خود، مورد تحلیل قرار داد.

تحولات دوران صفویه سبب شد تا بن مایه های تفکر اسلامی - ایرانی بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی جامعه، اثر محسوس داشته باشد و نقطه عطفی در تمدن سازی ایران ایجاد کند. معماری و شهرسازی عصر صفوی که در شهر اصفهان، به عنوان پایتخت و نمود آرمان شهر دولت صفوی ظهور کرد، نمونه بی نظیر و منحصر به فردی بود که اروپاییان را در عصر رنسانس و پس از آن، مقهور خود ساخت. در همین ایام، تحولات توسعه یافتگی و نقطه عطف پیشرفت تمدن غرب نیز آغاز گردید. سیر تحولات غرب در سده های بعدی، با تعمیق ابعاد توسعه، رویکرد نوي را در جهان ایجاد کرد؛ لکن سرعت پیشرفت و توسعه کشور ایران بعد از دوران صفویه کند شد و رو به افول نهاد. این عقب افتادگی تا سده های معاصر نیز ادامه داشته و به نوعی افول شهرسازی ایرانی - اسلامی را رقم زده است. شناخت عوامل و متغیرهای عقب افتادگی در سده های بعد از صفویه، یکی از مبانی علمی آسیب شناسی تمدن سازی در آینده کشور محسوب می گردد. از این روست که مطالعه این برش مهم تاریخی در دو جغرافیای متفاوت ایران و اروپا، که هر دو آثار بی بدیلی را در معماری و شهرسازی خلق کرده اند، به تقویت هویت ما ایرانیان کمک می کند و می تواند نقش مؤثر و منحصر به فردی در ترسیم چشم اندازهای مطلوب آینده کشور داشته باشد.

این مقاله قصد دارد تا مکتب شهرسازی اصفهان را با دوره ی رنسانس در اروپا مقایسه کرده و ویژگی ها و عوامل مؤثر بر اصول شهرسازی این دو مکتب را مورد مطالعه قرار دهد. قبل از پرداختن به قیاس ویژگی های شهرسازی، ابتدا به معرفی کلی دو دوره رنسانس و صفویه از منظر اقتصادی و اجتماعی می پردازیم تا زمینه و بستر شکل گیری شهرسازی و معماری در آن دو شناخته شود.

۲- مقایسه ویژگی‌های دوره صفویه در ایران و دوره رنسانس در اروپا

همان‌طور که اشاره شد، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و نوع تفکر در هر دوره تاریخی، بر آثار معماری و شهرسازی تأثیراتی جدی دارد. از این‌رو، قبل از پرداختن به مقایسه تطبیقی شهرسازی دو دوره رنسانس و صفویه، به معرفی ویژگی‌های هر یک از این مکاتب پرداخته می‌شود.

۲-۱- ویژگی‌های دوره صفویه

دوران زمامداری صفویان که از سال ۹۰۷ ه.ق آغاز شد و تا ۱۱۳۵ ه.ق به مدت ۲۳۸ سال ادامه داشت، متمرکزترین و قدرت‌مندترین حکومت ایرانی در دوره اسلامی به شمار می‌رود. از ویژگی‌های این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱-۱- عقاید مذهبی در دوره صفویه

حکومت صفوی، مذهب شیعه را مذهب رسمی ایران قرار داد و از آن به‌عنوان عامل همبستگی در سرزمین‌های زیر سلطه خود استفاده کرد. به‌طوری‌که با تکیه بر مفاهیم عرفانی و تفاسیر شریعت از منظر تشیع، پایگاه اجتماعی گسترده‌ای را به دست آورد. این حکومت با حرکت از مفهوم مراد و مرید، پیر و سالک و...، نوعی سازمان‌دهی فرقه‌ای-مذهبی را در کشور گسترش داد و متمرکزترین دولت ایرانی دوره اسلامی را پایه‌ریزی کرد (جعفریان ۱۳۷۸). شیوه فرمانروایی صفوی، تمرکزگرا و قدرت در دست شاه بود. در دوره صفویه، ایران اهمیت بیشتری پیدا کرد و از ثبات و یکپارچگی خاصی برخوردار گردید.

۲-۱-۲- ویژگی‌های اقتصادی دوره صفویه

رونق اقتصادی یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر گسترش شهرنشینی است. در دوره صفویه و به‌ویژه شاه‌عباس اول، گسترش راه‌های ارتباطی و به‌تبع آن، قدرت گرفتن روابط خارجی و جلب بازرگانان خارجی به ایران، از عوامل اصلی رونق اقتصادی کشور به شمار می‌رود. در این دوره سه راه تجاری مشهور از ایران می‌گذشت: جاده ابریشم، جاده ادویه و راه روسیه.

پایه‌های اقتصاد داخلی صفویان از یک‌سو بر گله‌داری و از دیگر سو بر کشاورزی و تجارت استوار بود. سلاطین صفوی و به‌ویژه شاه‌عباس، برای افزایش و رونق تجارت

خارجی که نیازمند راه‌ها و جاده‌هایی امن بود، در مسیر راه‌ها شمار زیادی کاروان‌سرا و ساختمان‌هایی برای اتراق مسافران ساخت (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸). در رابطه با این کاروان‌سراها، اولتاریوس (۱۳۸۵، ۲۴۳) در سفرنامه خود می‌نویسد: «از آنجایی که در اصفهان تجارت و معاملات بزرگی انجام می‌گیرد، کاروان‌سراهایی بزرگ وجود دارد که مرکز رفت‌وآمد و معاملات تجار عمده است».

در دوره شاه‌عباس قدرت مرکزی استحکام یافت و اوضاع کشور تا اندازه‌ای سامان گرفت. صادرات ایران را در این دوره ابریشم، قالی، پارچه‌های گوناگون، مصنوعات چرمی، شمشیر، مروارید و... تشکیل می‌داد. برای آسان کردن دادوستد نیز پول جدیدی موسوم به عباسی رایج شد که وجه تسمیه آن، از ضرب‌کننده این پول، یعنی شاه‌عباس گرفته شده است.

۲-۱-۳- ویژگی‌های اجتماعی دوره صفویه

ساختار اجتماعی دوران صفوی به شکل هرمی بود که شاه در رأس آن و مردم عادی -که شامل دهقانان، صنعت‌گران، دکان‌داران و تجار کوچک می‌شد- در قاعده هرم قرار می‌گرفتند. در این میان، اشراف لشکری و کشوری و گروهی از مقامات روحانی در سطوح مختلف قرار داشتند (سیوری ۱۳۶۳، ۱۲۴-۱۲۵). قشرهای مختلف مردم، دارای اصناف و انجمن‌های اجتماعی و مذهبی بودند؛ به طوری که در هر شهر با اهمیتی، کسبه، بازرگانان، کارگران و سایر گروه‌ها، نماینده‌ای برای خود داشتند (کیوانی ۱۳۹۲).

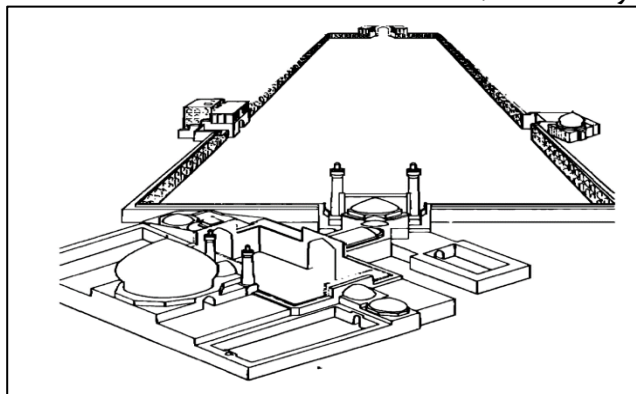
۲-۱-۴- ویژگی‌های کالبدی دوره صفویه

دوره صفویان را می‌توان عصر تحول معماری و شهرسازی ایران نامید. در این دوره، فعالیت‌های بسیاری در زمینه توسعه و آبادانی شهرها انجام شد و شهرنشینی و شهرسازی در دوره حکومت شاه‌عباس اول گسترش پیدا کرد؛ بسیاری از شهرها به‌ویژه اصفهان، تبریز، قزوین، شیراز و مشهد به دلیل گسترده‌ی روابط تجاری و به تبع آن دستیابی به ثروت‌های مادی، از رشد چشمگیری برخوردار شدند.

دولت صفوی سازمان‌دهی، راه‌اندازی و ایجاد تأسیسات و تجهیزات زیرساختی را بر عهده گرفت. بازسازی جاده‌های بین‌قاره‌ای ابریشم و ادویه، حفر شبکه‌های عظیم قنات و کاریز برای آبرسانی و آبیاری نقاط موردنظر، ساختن کاروان‌سراها و آب‌انبارهای بین

جاده‌ای و ایجاد نقاط و کانون‌های زیستی جدید در نقاط پراهمیت، نشان‌دهنده نقش مهم دولت، در دوره صفوی بود (حبیبی ۱۳۸۶، ۹۵). علاوه بر این، شاهان صفوی به‌ویژه شاه‌عباس، برای رقابت با دشمنان خود در زیباسازی پایتخت و ساخت بناهای باشکوه می‌کوشیدند تا نمایانگر قدرت حکومت باشد. از همین‌رو بود که ساختمان‌های زیبایی در پایتخت‌ها و به‌ویژه اصفهان ساخته شد (پاکزاد، ۱۳۹۲، ۳۹۸).

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که در عناصر معماری اصفهان، ویژگی‌های نوآورانه کمی وجود داشته است؛ اما آنچه این شهر را منحصربه‌فرد می‌کرده و حیرت همگان را برمی‌انگیخته، جسارت و بدایت شاه‌عباس در خلق این آثار فاخر بوده است (برینیولی ۱۳۸۵). به‌طوری‌که سیوری در کتاب «ایران عصر صفوی» می‌نویسد: «بدایت شاه‌عباس در جسارت خیال و مقیاس عظیم طرح بود که مشتمل بود بر بنای پایتختی بزرگ با خیابان‌ها، قصرها، دیوان‌خانه‌ها، مساجد و مدارس، بازارها، حمام‌ها، قلعه‌ها و باغ‌ها» (سیوری ۱۳۶۳، ۱۵۲). به عقیده او، دست راست شاه‌عباس در عملی ساختن این طرح بلندپروازانه، شخصیت برجسته‌ای به نام شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی بوده که به شیخ‌بهای معروف است. لطف‌الله هنرفر نیز در رابطه با علاقه شاه‌عباس به احداث آثار معماری می‌نویسد: «شاه عباس صفوی در سال ۱۰۱۱ قمری در جنب میدان نقش جهان مدرسه و مسجدی را پی‌نهاد و انجام این کار تا ۱۰۲۸ قمری طول کشید و در حین اتمام همین ساختمان بود که شاه عباس در قسمت جنوبی میدان شاه، طرح انشای مسجد جامع عباسی یعنی مسجد شاه را ریخت» (هنرفر ۱۳۵۰، ۴۰۴).



منبع: (سیوری ۱۳۶۳، ۱۵۳)

در اصفهان، عناصر اساسی یک شهر اسلامی، مانند مسجد جامع و بازار جایگاه ویژه‌ای دارد. بازارها معمولاً از کنار مسجد جامع شروع می‌شد و اصناف در بازارهای نزدیک مسجد بودند؛ اما آنچه در معماری اصفهان تازگی دارد، دو عنصر میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ است. میدان عظیم نقش جهان، به‌عنوان مرکز جدید شهر در دوره صفوی و نماد دولت قدرتمند صفوی است که ترکیب و نظم هندسی و فضایی را عرضه می‌کند. در پیرامون میدان، مشهورترین و عظیم‌ترین بناهای تاریخی اصفهان مانند مسجد جامع عباسی یا مسجد شاه (در ضلع جنوبی)، مسجد شیخ لطف‌الله (در ضلع شرقی)، عمارت عالی‌قاپو (در ضلع غربی) و سر در قیصریه (در ضلع شمالی) ساخته شده‌است.

۲-۱-۵- شیخ بهایی و پایه‌گذاری مکتب اصفهان در عصر صفوی

شیخ بهائی از دانشمندان برجسته عصر صفوی بود؛ او در مدت ۷۵ سال عمر خود با چهار تن از سلاطین صفوی معاصر بود و فعالیت سیاسی‌اش در عهد شاه‌عباس اول بود. شاه‌عباس زمینه رشد خارق‌العاده فرهنگ، هنر و معارف دینی را فراهم ساخت و احترام زیادی برای علما قائل می‌شد و از ایشان مشورت می‌جست. شاهد این امر تعامل با اندیشمندان بزرگی چون شیخ بهائی است (صارمی، پریزادی و خدشناس ۱۳۹۶، ۲۰۱). شیخ بهایی در تاریخ فرهنگ و علم ایران زمین، معمولاً در سیمای دانشمند، سیاست‌مدار و شیخ‌الاسلامی شهرت یافته که همواره مورد احترام طبقات مختلف مردم بوده است. ولی روی دیگر این جهت، تصویر معمارگونه مردی است که بسیاری از آثار به‌جای مانده از عصر صفوی، به‌ویژه در اصفهان را از آثار او می‌دانند (بقایی ۱۳۷۶).

از آثار معماری و شهرسازی منتسب به شیخ بهائی می‌توان به بازسازی رصدخانه مراغه، منارجنبان، نقشه توسعه اصفهان (شامل طرح میدان نقش جهان، خیابان چهارباغ، عمارت عالی‌قاپو، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف‌الله و بازار قیصریه)، طراحی شهر نجف‌آباد، حمام معروف به شیخ بهائی، طراحی صحن و سرای حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد، طراحی صحن حرم امام علی (ع) در نجف، مدرسه چهارباغ اصفهان و کاروان‌سراهای عباسی اشاره کرد (صارمی، پریزادی و خدشناس ۱۳۹۶). اما مهم‌ترین آثار شهرسازی شیخ بهائی، در اصفهان به منصف ظهور رسیده است. تلاش‌های او در پدیدآوردن این آثار در اصفهان دوره صفوی، مکتبی را در شهرسازی پایه‌گذاری کرد که به «مکتب اصفهان» معروف شده است.

مکتب اصفهان را می‌توان تحقق آرمان شهر دولت صفوی دانست. یکی از کتب شیخ بهائی کتاب کشکول است. کشکول، کتابی جُنگ مانند است شامل شعرها و نثرهای مورد علاقه او که خواننده را به ضمیر فکری شیخ بهائی نزدیک می‌کند. از محتوای این کتاب، برخی اصول فراکالبدی مورد نظر شیخ بهائی قابل استخراج است که از آن جمله می‌توان به ارتباط‌پذیری، برقراری تعاملات اجتماعی، پویایی و در حرکت بودن و امنیت اشاره کرد.

در این کتاب در ضرورت امنیت آمده است: «حکیمی گفت: زندگی فقیرانه با امنیت، نیک‌تر از زندگی توانگرانه با ترس است (عاملی ۱۳۷۶، ۱۸۹)» و یا در بخش دیگری از آن در ضرورت ارتباط‌پذیری آمده است: «حسن بن سهل، مأمون را گفت: لذت‌های دنیایی را چون نیک نگریم، جز هفت تایی‌شان را ملال آور دیدم، نان گندم، گوشت گوسفند، آب‌خنک، جامه نرم، بوی خوش، بستر نرم و نگرستن به زیبایی هر چیز. مأمون گفت: پس جای گفتگو با مردان کجاست؟ گفت راست گفتم؛ اولین‌شان این است (عاملی ۱۳۷۶، ۲۸)».

۲-۲- ویژگی‌های دوره رنسانس

دوره رنسانس، در اوایل قرن ۱۵ در ایتالیا شروع شد و تا پایان قرن ۱۸ ادامه داشت. دوره رنسانس را می‌توان دوره تغییرات بزرگ در اروپا نامید. در این دوره، تغییرات و دگرگونی‌های فراوانی در دین، افکار و رفتارها رخ داد. تغییر اصلی که اساس تفکر رنسانس شد، شناخت تازه‌ای از انسان به‌عنوان مرکز همه کائنات بود (لتس ۱۳۸۵، ۷). واژه رنسانس به معنای تولد دوباره یا تجدیدحیات است. کسانی که دوران رنسانس را پدید آوردند، در تلاش بودند تا با زایش دوباره فرهنگ یونان و روم، امکان موفقیت و پیشرفت‌های بزرگ را دوباره فراهم آورند (موریس ۱۳۸۵). در ادامه ویژگی‌های دوره رنسانس مطرح می‌شود.

۲-۲-۱- عقاید مذهبی در دوره رنسانس

جهان‌بینی عصر رنسانس مبتنی بر اومانیزم یا انسان‌گرایی است. انسان‌گرایی در مقابل تحقیر انسان و جهان، توسط راهبان مسیحی قرون وسطی، بر ارزش‌های انسانی تأکید می‌کرد. انسان‌گرایان عصر رنسانس به‌جای جهانی که ثمره گناه انسان بود و باید با زهد و دوری از آن و هرچه متعلق به آن است نجات یافت، دنیایی زیبا و سازمان‌یافته و به‌جای

جزم‌گرایی کلیسایی، تساهل و به‌جای جزم‌گرایی فلسفه مدرسی، خردگرایی همراه با ادبیات، هنر و اخلاق را به انسان غربی عرضه کردند (ایلخانی ۱۳۸۲، ۵۷۱). در همین رابطه، یکی از جریان‌های مهم دوره رنسانس نهضت پروتستانتیسم است. پروتستانتیسم با حذف کلیسا به‌عنوان واسطه نجات، عرضه احکام و اعتقادات را برای سعادت اخروی و به‌صورت کلامی و آئین‌های گوناگون نه‌تنها بی‌معنا و بیهوده در نظر گرفت، بلکه آن را مانعی برای نجات انسان دانست. پروتستانتیسم همچنان به‌شدت با رویه فیلسوفان مدرسی که می‌کوشیدند ایمان را با مفاهیم فلسفی و به طریق عقلی توضیح دهند، مخالفت کرد (همان، ۵۶۲-۵۶۳).

۲-۲-۲- ویژگی‌های اقتصادی دوره رنسانس

در این دوره، سود سرشار ناشی از غارت و چپاول بومیان و تجارت ادویه و برده، ثروتی هنگفت را به اروپا سرریز کرد و بازرگانان با سود چشم‌گیری که از تبادل کالا به دست آورده بودند، استقلال اجتماعی بیشتری کسب کردند.

همه طبقات مرفه مردم می‌خواستند از این سود چشمگیر، بهره ببرند. پادشاهان، دوک‌ها، شاهزادگان و... بر آن بودند تا پول‌های‌شان را به بازرگانان ثروت‌مند بپردازند تا بهره‌ای ثابت بگیرند. قاعدتاً ثروت‌های حاصل از بازرگانی، به شهرهای اروپا وارد می‌شد و باعث قدرت بورژوازی مرفه آن گردید. شهرها در عمل ثابت کرده بودند که کاسب‌کاری و مالکیت اموال منقول (سرمایه و کالا) به‌مراتب کاراتر از تفکر روستایی قرون وسطایی و مالکیت بر اموال غیرمنقول (زمین و مستحقات) است (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۳۱۰). طولی نکشید که در این دوره، بانک‌ها و بانک‌داران پدید آمدند و بازرگانان به خاطر افزایش تقاضا و کمبود کالا به مسافرت به سرزمین‌های دیگر و جستجوی عرصه‌های تازه برآمدند (رنдал ۱۳۷۶، ۱۲۵ و ۱۲۶).

۲-۲-۳- ویژگی‌های اجتماعی دوره رنسانس

جنبش رنسانس از زمانی آغاز شد که فتودالیسم در اداره امور جامعه به بن‌بست رسیده بود. کشاورزان وابسته (سرف‌ها) که قرن‌ها به نظام فتودالی عادت کرده بودند، بهره‌های مالکانه را پرداخته و بیگاری‌های مورد انتظار فتودال‌ها را تأمین می‌کردند. فتودال‌ها نیز مانند کلیسای کاتولیک، دارای سلسله‌مراتب خاص خود بودند. اگر در کلیسا هنوز اطاعت از مافوق مرسوم بود، ولی در میان حاکمیت دنیوی، گریز از مرکز (فتودال) به حد افراط رسیده

بود؛ هر چند به ظاهر حکومت‌های پادشاهی وجود داشتند ولی -در واقع- فئودال‌ها و اسقف‌ها آنان را انتخاب کرده و در مقابل کوچک‌ترین ناملایمات، علیه حکومت مرکزی توطئه کرده و با دشمنان پادشاه سازش می‌کردند. البته شهرها به‌عنوان جوامعی مستقل و نیمه‌مستقل روز به روز بر قدرت اقتصادی خود می‌افزودند (پاکزاد، ۱۳۸۸، ۳۰۶).

۲-۲-۴- ویژگی‌های کالبدی دوره رنسانس

رنسانس در لغت به معنی تجدیدحیات است؛ احیای مجدد علاقه به انواع هنرهای کلاسیک یونان و رم باستان و استفاده از آنها، به‌عنوان الهام‌بخش معماری و شهرسازی و سایر هنرها (موریس ۱۳۸۵، ۱۶۵). در حوزه معماری، ویژگی اصلی تلاش برای اضافه کردن کمال، زیبایی، تجمل و شکوه‌مندی به میراث روم باستان بود. در این تلاش، عقل، اعتدال و پیروی از موازین دقیق ریاضی و تناسب هماهنگ، اهمیت زیادی دارد (مرزبان ۱۳۸۶، ۱۵۶-۱۵۷). در حوزه شهرسازی نیز، رنسانس در فلورانس آغاز شد؛ دولت‌شهری بیش از حد ثروتمند و مقتدر که در آن خانواده‌های اعیان، مشوقین فعال هنر بودند و قراردادهای مذهبی قرون وسطی، برای این تجار ثروتمند جذابیت چندانی نداشت. آن‌ها به ایده‌آل‌های دنیوی توجه داشتند و نه به ایده‌آل‌های معنوی؛ به عمل و نه به اندیشه؛ به بدیهیات و نه به موهومات (موریس ۱۳۸۵، ۱۶۶).

هنرمند دوره رنسانس معماری را شاخه‌ای از علوم ریاضی می‌دانست که می‌بایست نشانگر نظام کیهانی باشد. او در مقابل هرچ‌ومرج و عدم تمرکز ناشی از فئودالیت، به دنبال نظم و حکومتی قاهر بود تا توسط آن، نه فقط به اوضاع اجتماعی و اقتصادی سروسامان دهد بلکه با کمک آن حکومت، امیال و تصورات هنری خود را به کرسی بنشانند (پاکزاد، ۱۳۸۸). از مشخصه‌های دیگر رنسانس می‌توان به تمایل به نظم فضایی، حجم‌سازی متقارن و متوازن، مقیاس انسانی، اصل محصوریت فضاها از طریق عناصر محوطه‌سازی و اصل پیوستگی فضاها اشاره کرد.

جدول شماره ۱، ویژگی‌های کلی دو دوره صفویه و رنسانس را با یکدیگر مورد مقایسه قرار می‌دهد.

جدول ۱: مقایسه ویژگی‌های کلی دوره صفویه و رنسانس

عنوان	صفویه (مکتب اصفهان)	رنسانس
-------	---------------------	--------

<p>قرن پانزدهم تا هجدهم میلاادی</p>	<p>قرن نهم تا یازدهم هجری قمری</p>	<p>زمان (دوره تاریخی)</p>
<p>اروپا - ایتالیا</p>	<p>ایران - اصفهان</p>	<p>مکان (بستر شکل‌گیری)</p>
<p>تجدید حیات - احیا مجدد تفکرات ارزش‌ها علاقه به هنر کلاسیک و الهام‌بخش در صور مختلف شیوه معماری و شهرسازی بود</p>	<p>دوران حکومت خاندان صفوی بر ایران که زمینه‌ساز احیا و شکوفایی ایران خصوصاً در شهرسازی به شکل مکتب اصفهان بود</p>	<p>مفهوم لغوی</p>
<p>نگرش انسان به جهان خلقت از عرش اعلی توجه زمین گردید. مذهب پروتستانیسم و انهدام حاکمیت مطلق کلیسا اومانیسم و انسان‌محوری خردگرایی و دیدگاه راسیونالیسم</p>	<p>هویت‌یابی چشمگیر مذاهب و فرق مختلف اسلامی خصوصاً مذهب شیعه و فرق وابسته به آن اتکا به مفاهیم عرفانی انسان به‌عنوان مرکز ثقل عالم صغیر و تأیید بر ارتباط با مرکز هستی‌کبیر (نگاه از زمین به آسمان و بازتاب آسمان در زمین راسیونالیسم عرفانی</p>	<p>جهان‌بینی</p>
<p>نظام متمرکز اجتماعی حکومت مستبد و متمرکز دولت‌شهر ثروتمند و مقتدر</p>	<p>دولت متمرکز اسلامی (سلطان صفوی در حکم مرشد کامل و سایه خدا در زمین و مردم به‌عنوان رعیت و تولیدکننده) سازمان‌دهی فرقه‌ای-حزبی سیاسی شدن چهره سازمان‌های</p>	<p>نظام اجتماعی</p>

	صنعی و حرفه‌ای (انجمن‌های صنفی) تشکیل سازمان دیوانی	
نظام متمرکز اقتصادی مرکاتتالیسم (سرمایه‌داری تجاری)	تیول‌داری متمرکز و قاهر دولتی سیاست‌های ارضی جدید و راه‌اندازی سازمان تولید وحدت اجتماعی کار امنیت بازرگانی و مبادلات منجر به رشد و بستر مناسب تولید داخلی و مبادلات بین‌المللی با اروپا گردید رشد کشاورزی، زمین‌داری بزرگ ابریشم، تولید دام و نساجی منجر به رونق اقتصادی گردید.	نظام اقتصادی
سرمایه‌داری تجاری، ثروت، اقتصاد پیشرفت‌های علمی و اکتشافات توسعه روابط فرهنگی و مبادلات بازرگانی با تمدن‌های کهن و پخته سرزمین‌های اسلامی	بازسازی جاده‌های بین‌قاره‌ای ابریشم و ادویه تقابل با دولت عثمانی و مبادلات بین‌المللی با دول اروپایی (سفرها، سیاحان، مأمورین) تجارت خارجی تحت سلطه دولت قاهر امنیت بازرگانی و بسط ارتباطات بها دادن به اندیشمندان متفکران و دانشمندان	دلایل رشد و گسترش

منبع: (شیری و سعیدی، ۱۳۹۲)

۳- مقایسه ویژگی‌های شهرسازی مکتب اصفهان و مکتب رنسانس

همان‌طور که ارائه شد، دوره صفویه در ایران هم‌عصر دوره رنسانس در اروپا بود. هریک

از این دوره‌ها به تبع جهان بینی و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه، معماری و شهرسازی منحصر به خود را داشتند و با وجود هم عصر بودن رنسانس و صفویه، تفاوت‌های بسیاری در آثار معماری و شهرسازی آن دو مشاهده می‌شود. در ادامه به ارائه اصول شهرسازی مکتب اصفهان (به عنوان نماینده حکومت صفوی) در ایران و مکتب رنسانس پرداخته می‌شود.

۳-۱- ویژگی‌ها و اصول شهرسازی مکتب اصفهان

تشکیل دولت صفوی در قرن دهم هجری باعث شد تا حیات عقلی شیعی به اوج خود برسد و این هویت و شخصیت را به عنوان خمیرمایه فرهنگی همه شئون زندگی پس از خود قرار دهد و زمینه را برای شکوفایی آرای حکمی اشراقی، فلسفی و عملی عالمانی چون شیخ بهائی فراهم سازد.

مکتب اصفهان به دنبال تحقق بخشیدن به اصول و قواعدی چون سلسله مراتب، وحدت و کثرت، تمرکز، تجمع، تباین، تناسب، ترکیب، توازن و... است. اصول به کارگرفته شده در مکتب اصفهان به عنوان نمونه‌ای کامل از اصول شهرسازی اسلامی، سبب می‌شود تا فضایی ایجاد شود که در آن هر عنصر معماری، در عین حال که جایگاه ویژه خود را دارد؛ جزئی است از یک کلیت بزرگ‌تر.

مکتب اصفهان از ایجاد فضاهای مسلط و بناهای سلطه‌گر پرهیز می‌کند و بی‌آنکه در پی ساختن و برپایی یادمانی باشد، خود به یادمان تبدیل می‌شود. ایجاد میدان‌ها در مرکز مجموعه‌های شهری، مصداقی از شکل‌گیری چنین یادمان‌هایی است که نقطه اوج آن میدان نقش جهان اصفهان است (اهری ۱۳۸۰، ۱۲).

مکتب اصفهان با وجود گویش‌های متفاوت مکانی، از دستور زبانی ویژه تبعیت می‌کند. این دستور زبان بر مبنای چهار نظم مادی (زمینی): آب، خاک، گیاه، هوا و یک نظم معنایی (آسمانی کیهانی)- نظم مقدس- شکل می‌گیرد؛ همان‌گونه که هر یک از چهار نظم زمینی، سایه‌ای از آن نظم کیهانی مقدس است؛ بر همان باور شهر و بنا، شهرسازی و معماری نیز تجلی و حضور این چهار نظم خواهد بود. برای یادآوری آن نظم کیهانی به کارگیری چهار نظم مادی نشان می‌دهد که چگونه مکتب اصفهان تلفیق و ترکیب مکان و محیط مصنوعی و طبیعی، ساخته و ناساخته، نظم و بی‌نظمی و غیره را در دستور کار زبان طراحی شهری

خود قرار داده است. این مکتب موفق می‌شود نظامی ارائه دهد که توانایی انطباق با دگرگونی‌های زمان و مکان را داشته باشد، بی‌آنکه مجبور باشد به ترکیب کلامی، بیانی و فضایی دوران کهن بازگردد. این عین شدن در هر لحظه است و این همان گذر از شکل به محتواست.

اصول را که پایه‌ی زبان طراحی در معنای مادی آن را می‌سازد، می‌توان به گونه زیر بیان کرد (حبیبی ۱۳۸۶، ۱۰۲-۱۰۷).

جدول ۲: اصول شهرسازی مکتب اصفهان

اصول	تعریف
سلسله‌مرات ب	هیچ فضای شهری، بنا یا معماری را نمی‌توان فارغ از مراتب بالاتر یا پایین‌تر آن ایجاد کرد. هر فضای شهری در مکان سلسله‌مراتبی خود است که معنا می‌یابد.
کثرت	هر جزء و عنصری فارغ از دیگر اجزا و عناصر هویت یا شخصیت و معنای خویش را دارد، هر جزء خود کلی می‌شود در مقیاس مربوط به خود.
وحدت	فضای شهری دارای هویتی یگانه است و شخصیتی خاص ارائه می‌دارد؛ فارغ از چگونگی ترکیب اجزا و عناصرش در این هویت کلی رنگ می‌بازد و یگانه می‌شود.
تمرکز	هر فضا با نحوه تمرکز اجزایش تعریفی خاص می‌یابد و هویتی ویژه.
عدم تمرکز	پراکندگی فضای شهری موجب می‌شود که بیانی واحد در مکان‌هایی متفاوت به کار گرفته شود. توزیع متوازن فضاهای شهر علت اصلی یگانگی مفهوم شهر و فضاهای متفاوت آن می‌شود.
تجمع	جمع شدن عناصر متفاوت در یک مکان خاص، مفهومی ویژه بدان مکان می‌بخشد. مفهومی که از چهارچوب مکان خارج می‌شود و هویتی فضایی به مکان می‌بخشد.
تباین	ناهمگونی عناصر و فضاهای شهری و درعین حال آهنگین بودن آن در ارتباط با دیگر عناصر و فضاها، اصلی است که فضای شهر را از یکسانی، یکدستی و

	بی‌هویتی می‌رهاند.
اتصال	هر فضای شهری در پی وصل به دیگر فضاهاست. هرگاه این اتصال ایجاد نشود، کلامی گفته نخواهد شد و خانه‌ها و گنبدها و ... شهر را نخواهند ساخت.
توازن	توازن فضایی بی‌هیچ ترسی از معماری با مقیاس بزرگ و از اینکه مقیاس مورد توجه واقع نشود، عملاً به ایجاد فضای انسانی می‌انجامد.
تناسب	نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و ساختمان‌ها، نسبت فضاهای انباشته و فضاهای تهی، نسبت سایه و روشن، نسبت محدودیت و بی‌کرانگی، نسبت انسان و فضا در امری می‌گنجد که زیبایی جهان در تناسب آن معنا می‌شود.
تداوم	فضای شهری خلأی است که مابین ساختمان‌ها، احجام و اشکال واقع می‌شود و در مکان و زمان با رفتارهای اجتماعی، فرهنگی معنایی دیگر می‌یابد.
قلمرو	هر فضای شهری از ذره فضا (مسکن) تا کلان فضا (شهر) حریم خاص خود را دارد، حریمی که دامنه درون آن را به برون می‌گستراند و محدوده‌ای خاص از برون را متعلق به درون می‌کند.
سادگی	خلوص و صراحت فضای شهری، مکان درک سریع آن را فراهم می‌آورد. با پیروی از اصل سادگی است که فضای شهری به نرمی در خاطر می‌نشیند و خیال‌انگیز می‌شود.
پیچیدگی	فضای شهری زمانی معنا می‌یابد که در مکانی غیر معمول رخ دهد کاربرد غیر معمول واژه و فضا به منظور شاخص کردن آن از اصل پیچیدگی تبعیت می‌کند، امری سهل و ممتنع حادث می‌شود.
ترکیب	«دوام ترکیب اضداد» چه در ادبیات چه در کلام و بیان، چه در موسیقی، چه در معماری و چه در شهرسازی پایدار نخواهد ماند، مگر آنکه از تناسب ترکیب برخوردار باشد تا بتواند روابط متقابل و متناظر اجزا را به نمایش بگذارد.
استقرار	در این مفهوم ساخت یعنی مجموعه روابط متقابل اجزای یک کل با یکدیگر به‌گونه‌ای که هر واحد بیشترین نقش را در برابر دیگر اجزا داشته باشد.

زمان	فضای شهری در زمان‌های متفاوت جایگاه ویژه‌ای می‌یابد و در تبعیت از زمان فهمیده می‌شود. آنچه در زمان دچار دگرگونی می‌شود صورت است و نه محتوا.
ایجاز	شهر و فضای شهری، چون زبان و بیان از اسلوبی تبعیت می‌کند که بتواند گسترده‌ترین مفهوم را در ساده‌ترین صورت بیان کند. رعایت این اصل از بنیادی‌ترین دستورات عمل‌های زبان طراحی شهری در مکتب اصفهان است.

منبع: نگارندگان بر اساس (حبیبی ۱۳۸۶، ۱۰۴-۱۰۷)

بر اساس اصول مطرح شده، مکتب شهرسازی، در ایجاد شهرهای نو بنیاد و توسعه و گسترش شهرهای گذشته، به مواردی چون محیط‌زیست و ایجاد فضای سبز و باغ، رون و جهت شهری، توسعه و ساخت شهرها بر اساس طرح جامع، توسعه و گسترش شهرهای قدیمی با حفظ بافت‌های قدیمی آن شهرها، ایجاد میدانی وسیع در مرکز شهرها مشتمل بر مهم‌ترین فضاها و بناهای مورد نیاز شهری، ساخت و توسعه مسیرها، راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی مورد نیاز شهری و درون‌گرایی، توجه دارد (مهجور ۱۳۷۸).

۳-۲- ویژگی‌ها و اصول شهرسازی دوره رنسانس

تفکرات شهرسازی رنسانس از ایتالیا آغاز گردید. هنرمندان رنسانس جهان را دارای نظم‌ی پیچیده می‌دانستند که همه اجزای آن با یکدیگر در رابطه منطقی و ریاضی قرار دارد. به اعتقاد آن‌ها، انسان موجودی است این جهانی با روح و عقلی بزرگ که از قدرت کارگزاری و فاعلیتی خدادادی برخوردار است (زارعی، ۱۳۸۹). شهرسازی رنسانس دارای مشخصه‌ها و مفاهیمی به شرح زیر است (موریس ۱۳۸۵):

اصل تقارن: ساخت عناصر یک پروژه‌ی شهرسازی را به منظور ایجاد ترکیبی متوازن، حول یک یا چند محور اصلی تعیین می‌کرد.

انسداد مناظر: با قرار دادن دقیق ستون‌های یادبود و یا مجسمه‌های مشخص و مناسب در انتهای خیابان‌های بلند و مستقیم.

ترکیب ساختمان‌های منفرد: به صورت یک واحد منسجم معماری، با تکرار یک طرح واحد نما انجام می‌شد.

تئوری پرسپکتیو: که یکی از حقایق مؤثر بر تاریخ هنر است، سلاحی برنده بوده و بیان هنری می‌بایست با آن تطابق یابد.

از ویژگی‌های دوره رنسانس می‌توان به تمایل به نظم فضایی، حجم‌سازی متقارن و متوازن، مقیاس انسانی، اصل محصوریت فضاها از طریق عناصر محوطه‌سازی و اصل پیوستگی فضاها اشاره کرد. به عنوان نمونه‌ای از عناصر شهری این دوره می‌توان به سیستم‌های حصاربندی، الحاق مناطق جدید مسکونی، ایجاد کاخ‌ها و ویلاهای اشرافی، باز زنده‌سازی بخش‌هایی از شهر با ایجاد فضاهای عمومی جدید و خیابان‌های مربوط به آن، طراحی و بنای تعداد محدودی نوشهر و ساخت کلیساهای جدید اشاره کرد (پاکزاد، ۱۳۸۸).

۴- یافته‌های تحقیق

بر اساس ویژگی‌های شهرسازی مکتب اصفهان و مکتب رنسانس، می‌توان مفهوم شهر، عناصر شهری و ویژگی‌های شهرسازی این دو دوره را در قالب جدول زیر با یکدیگر مورد مقایسه قرار داد.

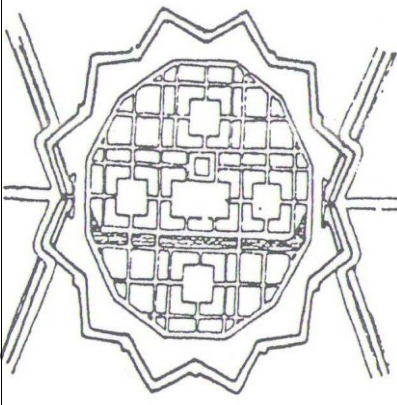
جدول ۳: مقایسه تطبیقی ویژگی‌های شهرسازی مکتب اصفهان و مکتب رنسانس

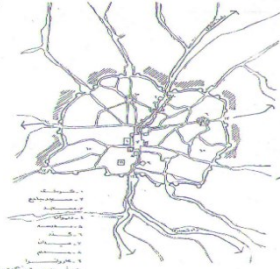
عنوان	مکتب اصفهان	رنسانس
مفهوم شهر	تبلور بخش کالبدی فضایی به آرمان‌ها (شهر قدرت - شهر نمایش - شهر آرمان - شهر بازار - شهر سرمایه - شهر دیوان - شهر آرمان - شهر منطقه)	شهر پاسخگوی مسائل سیاسی نظامی شهر آرمان‌گرا، انسان‌گرا، هنری تاریخی، آرمانشهر

<p>شهرسازی محدود بر گسترش مناطق شهری موجود با بازسازی بخش‌های از آن ایجاد نوشهرها به‌عنوان و به دلیل نیاز سوق‌الجیشی نظام یا در اثر حکومت مستبدانه</p>	<p>بر مبنای سیاست کلی رونق بخشیدن و گسترش شهرهای مرکزی کشور بهسازی شهری ایجاد پایتختی جدید در کنار شهر موجود قدیم بدون دخل و تصرف در آن نه بازسازی ایجاد نقاط و کانون‌های زیستی جدید</p>	<p>مبنای شکل‌گیری شهرها</p>
<p>فرهنگ اومانیزیسمی دستاوردهای هنری که توسط اندیشمندان و هنرمندان یونانی از قسطنطنیه به اروپا (ایتالیا) آورده شده است. ثروت حاصل از مرکانتالیسم تجاری کشف آثار وایتر ویوس معمار رومی دوره آگوستوس اکتشافات علمی فنی و سرزمین‌های جدید کشف پرسپکتیو کشف چاپ</p>	<p>جهان بینی متکی بر مفاهیم عرفانی ساختار دیوانی دولتی سیاسی نظامی امنیت بازرگانی و مبادلات ایجاد بستر مناسب برای رشد و تولید داخلی که منجر به حیات‌بخش مجدد شهر گرایبی و شهرنشینی شد. جمع‌بندی دقیق از اشکال کهن و تطبیق جدید با اوضاع جهان و شکل‌گیری مکتب اصفهان</p>	<p>عوامل مؤثر بر شهرسازی</p>

<p>سیستم حصاربندی باز زنده سازی بخشایی از شهر با ایجاد فضاهای عمومی جدید و خیابان‌های مرتبط بازسازی شهرهای موجود با ایجاد شبکه‌های جدید خیابان‌های اصلی که به صورت جاده‌های منطقه‌ای خارج شهر ادامه می‌یابد الحاق مناطق جدید وسیع مسکونی طراحی و بنای تعدادی نوشهر</p>	<p>ایجاد مجموعه‌های شهری جدید در کنار شهر کهن هر مجموعه زیستی دارای میدان چند عملکردی یا مرکز ثقل به‌عنوان دریچه‌ای نمایانگر دولت پایتخت به‌عنوان و برجسته‌ترین نماد فرهنگی منطقه بندی شهر مفهوم محلات و تمایزات اجتماعی در کل شهر شهر به‌عنوان آلیاژی از فعالیت‌های کشاورزی صنعتی بازرگانی مفرد دیوانی ابداع مجدد مفهوم شار ساخت عناصر خدمات و تأثیر شهری جمع‌بندی ماهرانه از فلسفه هنر معماری و شهرسازی روزگاران کهن در فرم مکتب اصفهان پیوند فضا و فلسفه (فضای مثبت)</p>	<p>شیوه شهرسازی</p>
<p>سازمان بخش به شهر قرون وسطی و تحقق آرمانشهر (تلاش برای دستیابی)</p>	<p>اجرای الگوی ارمانی و تلفیق از موجود و مطلوب طراحی ارگانیک و راسیونال به صورت آمیخته با یکدیگر مفهومی جدید از برنامه‌ریزی و طراحی فضایی</p>	<p>سبک هنری شهرسازی</p>

<p>توجه به ویستا و دور منظر ایجاد یک ترکیب متوازن حول محور انسداد مناظر با مونونهای سبز استفاده بسیار از پرسپکتیو اندازه محدود حدود تعریف شده شهر واجد دیواره انسجام وحدت شکلی قابلیت بازنمایی ذهنی به دلیل کوچک شدن و نظم هندسی</p>	<p>وحدت بیانی سلسله مراتب فضایی از بزرگترین تا کوچکترین مقیاس کالبدی اصول تقارن فضای بیانگر آمدوشد از لاهوت به ناسوت و بالعکس پرهیز از ایجاد نقطه گریز و توجه تام به یک نقطه انکشاف فضا و سیاست و تداوم فضایی معماری یکدست و ساده</p>	<p>اصول طراحی شهری</p>
<p>استثمار روستا توسط شهر</p>	<p>ارتباط متقابل مابین شهر و روستا امنیت رسانی از شهر به منطقه پیرامونی</p>	<p>رابطه شهر و روستا</p>

<p>خیابان‌های اصلی مستقیم میدان مرکزی و خیابان‌های شعاعی کاتدرال، میدان و مونومانها مناطق با شبکه شطرنجی فضاهای بسته (تردد-مسکونی- پیاده) تمایز نجبا در مرکز شهر دیوار ستاره‌ای شهر در فرم حصار</p>  <p>طرح پالمانوا</p>	<p>میدان به‌عنوان مرکز ثقل هر مجموعه زیستی و مکان تقاطع گذرهای اصلی و عبوری کانون و به‌عنوان دریچه‌ای نمایانگر دولت صفوی ایجاد محور جدید و وسیع شهری (چهارباغ) میدان با انتظام فضایی به‌عنوان مرکز جدید شهری محلات شهری در مفهوم تمایزات اجتماعی تأسیسات و تجهیزات شهر با بیان معماری شهری در مقیاس مجموعه و رده سلسله مراتبی و مکانی (آب‌انبار، پل، کاروانسرا، باغ، رودخانه) شبکه عظیم قنات و کاریز برای آبرسانی برج و بارو به‌عنوان تعریف محدوده کالبدی نه تمایز از روستا بازار و مسجد</p>  <p>اصفهان نقشه جزئیات میدان</p>	<p>عناصر اصلی شهر</p>
---	---	---------------------------

<p>ادغام با طبیعت وجود ندارد تسلط بر طبیعت شکل‌گیری کاخ شهرها در اواخر دوران (باروک)</p> 	<p>شهر در توافق کامل با طبیعت پیرامون همزیستی و وحدت با روستاهای اطراف</p> 	<p>ارتباط با طبیعت</p>
		

منبع: نگارندگان بر اساس داده‌های کتب و جزوات تاریخ شهر

نتیجه

در دوره‌های مختلف تاریخی در غرب و شرق، به اقتضای تفکرات غالب در هر دوره، سبک‌های معماری و شهرسازی متنوعی خلق شده است. یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی ایران پس از اسلام، دوره صفویه است که هم‌عصر دوره رنسانس در اروپاست. دوران صفویه و به‌ویژه عهد شاه‌عباس، از لحاظ شهرسازی و توسعه شهری در ایران، دورانی طلایی به حساب می‌آید. در این دوره معماری و شهرسازی حول جهان‌بینی مبتنی بر تفکر شیعی شکل می‌گیرد؛ درحالی‌که هم‌زمان در اروپا، دوره رنسانس یا نوزایی علمی، ادبی و هنری پا به عرصه وجود می‌گذارد و معماری و شهرسازی مبتنی بر تفکر اومانیستی و انسان‌محوری -چه در عرصه نظر و چه در عرصه عمل- شکل می‌گیرد.

شیخ‌بهایی در مکتب اصفهان با استفاده از نظم‌های چهارگانه مادی آب، خاک، گیاه و هوا برای کالبد بخشیدن به یک نظم معنایی و آسمانی بهره می‌گیرد و با در نظر گرفتن اصل تعادل فضایی، آرمان شهر صفوی را در اصفهان به اجرا در می‌آورد؛ درحالی‌که همان زمان در اروپا، شهرسازان رنسانسی با تمایل افراطی به متقارن‌سازی در فضاهای شهری در پیاده‌سازی آرمان شهرهای خود چندان موفق عمل نمی‌کنند و در بسیاری موارد ایده‌های آنها در سطح نظریه باقی می‌ماند. باید به این نکته اذعان داشت که سبک شهرسازی دولت صفوی، نسبت به سبک شهرسازی کشورهای اروپایی در دوره رنسانس، گامی به جلو دارد.

منابع

۱. اهری، زهرا (۱۳۸۰)، مکتب اصفهان در شهرسازی، تهران: دانشگاه هنر.
۲. اولتاریوس، آدام (۱۳۸۵)، سفرنامه آدام اولتاریوس: ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی، با ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار نو.
۳. ایلخانی، محمد (۱۳۸۲)، تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، تهران: انتشارات سمت.
۴. باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۹)، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: نشر علم.
۵. برینیولی، ژان (۱۳۸۵)، «بینش شاه عباس: شهرسازی سلطنتی اصفهان» ترجمه داود طبایی. هنر و معماری: گلستان هنر ۵: ۶۰-۷۱.
۶. بقایی، اسدالله (۱۳۷۶)، شیخ بهائی در آینه عشق، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۸)، تاریخ شهر و شهرنشینی در اروپا از آغاز تا انقلاب صنعتی، تهران: آرمانشهر.
۸. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۹۲)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار، تهران: آرمانشهر.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۷۸)، تاریخ ایران اسلام (صفویه از ظهور تا زوال)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۰. حیبی، سیدمحسن (۱۳۸۶)، از شار تا شهر، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. رندال، هرمن (۱۳۷۶)، سیر تکامل عقل نوین، با ترجمه ابوالقاسم پاینده. جلد ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۲. سیوری، راجر (۱۳۶۳)، ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، تهران: انتشارات کتاب تهران.
۱۳. شبیری، الهام و سعیدی، مهدی (۱۳۹۲)، «مقایسه مکتب شهرسازی اصفهان با رنسانس در اروپا»، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز.
۱۴. صارمی، حمیدرضا، طاهر پریزادی و مهدی خدانشناس (۱۳۹۶)، اصول معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی با تاکید بر مکتب اصفهان، تهران: انتشارات اول و آخر.
۱۵. عاملی، بهاءالدین محمد (۱۳۷۶)، متن کامل کشکول شیخ بهایی، ترجمه بهمن رازانی، تهران: انتشارات زرین.
۱۶. کیوانی، مهدی (۱۳۹۲)، «پیشه وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی: جستارهایی در تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران» ترجمه یزدان فرخی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۷. لتس، رزا ماریا (۱۳۸۵)، تاریخ هنر-رنسانس (از مجموعه هشت جلدی تاریخ هنر)، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
۱۸. مرزبان، پرویز (۱۳۸۶)، خلاصه تاریخ هنر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۹. مشهدیزاده دهاقانی، ناصر (۱۳۸۷)، تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۰. مهجور، فیروز (۱۳۷۸)، «ویژگیهای شهرسازی در شهرهای دوره صفویه»، پژوهشهای جغرافیایی ۳۶: ۶۵-۷۳.
۲۱. موریس، جیمز (۱۳۸۵)، تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، با ترجمه راضیه رضازاده، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۲. هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۰)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان: انتشارات ثقی.